

خبر

ورود مسافران هوایی به ایران مشروط شد

● مدیرکل دفتر نظارت بر عملیات هوانوردی سازمان هواپیمایی کشوری اعلام کرد: تمام مسافران ورودی از خارج از کشور ملزم به پرکردن فرم تعهد از پیش تعیین‌شده هستند. محمدسعید شرفی در گفت‌وگو با مهر گفت: همه مسافران ورودی از خارج از کشور که از طریق مرزهای هوایی وارد قلمرو جمهوری اسلامی می‌شوند، مورد بررسی نمایندگان وزارت بهداشت مستقر در فرودگاه‌ها قرار می‌گیرند.مدیرکل دفتر نظارت بر عملیات هوانوردی سازمان هواپیمایی کشوری افزود: حسب مورد ممکن است تست‌های کرونا بر اساس علائم مسافران یا کشوری که از آن وارد شده‌اند، لازم باشد و همچنین بر مبنای خروجی تست‌ها نیاز پیدا شود که بنا بر تشخیص وزارت در هتل‌های تعیین‌شده؛ مراکز درمانی و بیمارستان‌ها یا در منزل قرنطینه شوند، بنابراین مسافران ورودی با تکمیل یک فرم متعهد خواهند بود که در تصمیات وزارت بهداشت تمکین کنند.وی یادآور شد: فرم ذیل باید توسط تمام مسافران ورودی از مبادی خارجی قبل از دریافت کارت پرواز تکمیل و تحویل کاترهای پذیرش مسافر شود.

ادامه از صفحه اول

جدال دوبورژوازی

اگر نمایندگان منتسب به جریان احمدی‌نژادی‌ها در این‌مجلس نبودند، شاید همین میزان از حرف‌وحديث‌ها هم درباره مجلس یازدهم وجود نداشت. اغلب تحلیلگران بر این نکته تاکید می‌کنند که این مجلس یکدست، در اجرای تصمیمات بزرگ که از سوی نهادهی رسمی مورد تایید است، نقشی حیاتی ایفا می‌کند. نمایندگان مجلس یازدهم آمادگی آن را دارند تا بدون تنش و مجادله با اطاعتی خودخواسته در تصمیمات کلانی مشارکت کنند که مجالس دیگر به دلیل تضادهای درونی و تنوع نمایندگانشان قادر به انجام آن نبودند. با پذیرش این نکته باید گفت اگر نقش نمایندگان در تصمیمات بزرگ در حد مهر پای سند هم باشد، باز مجلس را در منظر مردم ارتقا داده و این ارتقا راه را برای پیروزی جناح اصولگرا در انتخابات ۱۴۰۰ مهلا خواهد کرد. این تصمیمات بزرگ از هر جنس و جنمی که باشد، به وقت ضرورت می‌توان آن را به خانه ملت ارجاع داد. اینجا دیگر نماد مجلس است که کارایی دارد نه آرای کم یا بیش ملت. تصمیماتی مهم از جمله انبساط در حل مسائل خاورمیانه و جهان، مانند اقدام در عمل در همکاری منطقه‌ای ایران با رقیبا و حتی مذاکره برای رفع تحریم‌ها، نهادهای رسمی با ارجاع برخی موضوعات به مجلس می‌توانند این موضوعات را از رده امنیتی خارج کرده و آن را برون‌سیاری کنند با نظارتی حداکثری. با این‌صورت‌بندی به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان در وضعیتی دو سر بر قرار دارند. اگر مجلس به پیروایی دولت روحانی بپیچد، اصلاح‌طلبان چندان ضربه‌ای نخواهند خورد. آنان در انتقاد از دولت روحانی، فضل‌تقدم نداشته باشند، در کمیت انتقادات در نزد مردم دست بالا را دارند. شاید مجلس یازدهم فعلا دغدغه مردم و دیگر جریان‌های سیاسی نباشد؛ اما برای میرسلیم، قالیباف و احمدی‌نژادی‌های حاضر در این مجلس این‌گونه نیست. این‌چهره‌های سیاسی به دلیل همین یکدستی مجلس و آینده وخیم اقتصادی پیش‌رو، تعداد رو به افزایش بی‌کاران که به مقوله‌ای امنیتی تبدیل خواهد شد، نهادهای رسمی را ناگزیر به تصمیمات بزرگی خواهد کرد و مجلس همراه نقش تاریخی را ایفا خواهد کرد؛ اما آنکه بر صدر مجلس نشسته است، این تصمیمات مهم را به نام خود ثبت خواهد کرد تا در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ از آن بهره‌برداری کند. قالیباف و میرسلیم، همواره نشان داده‌اند سودای جایگاه بالایی را در سر دارند و از بد حادثه در این مجلس گرفتار آمده‌اند. اگرچه برای اصلاح‌طلبان و مردم بین قالیباف که برخاسته از بورژوازی حمایتی و میرسلیم که بالیده در بورژوازی سنتنی است، تفاوتی وجود ندارد؛ اما برای جریان‌های سیاسی که قالیباف و میرسلیم آنها را نمایندگی می‌کنند، این‌گونه نیست. از این منظر می‌توان گفت مجلس دو چهره دارد: مجلسی که یکدست و همراه است و مجلسی که از درون دچار شکاف است؛ شکاف بین احمدی‌نژادی‌ها، قالیباف و میرسلیم؛ طرفه آنکه این شکاف قبل از شکل‌گیری مجلس رخ داده است. بدیهی است مجلس در غیاب مسائل کلان که از سوی نهادهای رسمی به مجلس ارجاع داده خواهد شد، به سمت مجادلاتی حول محور منافع اقتصادی و سیاسی جریان‌های مختلف حاضر در مجلس گام برخواهد داشت. سه جریان موجود در مجلس که همگی ذیل اصولگرایان نام برده می‌شوند، هریک چنان با ناکامی‌های سیاسی روبه‌رو بوده‌اند که بعدد است در اندیشه گذشت و ترک جایگاه‌های سیاسی خود، چه در مجلس و چه خارج از آن باشند. اگر این بار میرسلیم شکست بخورد، پرونده بورژوازی سنتی به دست بورژوازی حمایتی که نماینده‌اش قالیباف است، برای همیشه بسته خواهد شد.

شرق: براساس آخرین خبر مهم بانکی، اعلام شد: «بر اساس قانون بودجه ۹۹، تمامی دستگاه‌های دولتی که از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، مجاز به دریافت سود از حساب‌های بانکی نیستند». به این معنا که: «بر اساس بند (ز) تبصره ۱۲ قانون بودجه ۹۹، دستگاه‌هایی که از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به میزان اعتبار دریافتی از بودجه کل کشور مجاز به دریافت سود از حساب‌های بانکی (حساب جاری، پشتیبان و سپرده‌گذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت) مفتوح در بانک‌های دولتی و غیردولتی نیستند». برخی کارشناسان می‌گویند این اقدام موجب می‌شود دستگاه‌های دولتی از سپرده‌گذاری بلندمدت منابع خود در بانک‌ها امتناع کرده و در امور محوله خود، این منابع را به کار گیرند. به گفته آنها، چنین اقدامی موجب شده بود که در طول سالیان گذشته، سوااستفاده‌هایی از منابع دستگاه‌ها از سوی برخی مسئولان و کارمندان صورت بگیرد و در ازای خواب منابع در بانک‌ها، تسهیلات با بهره صفر یا کم‌بهره به آنها تعلق گیرد. از سویی برخی دیگر نیز اعلام می‌کنند احتمالا این خواسته بانک‌ها برای کاهش هزینه خود و بهره‌گیری از منابع ارزان دولتی در بانک‌هاست. خواسته‌ای که در مقابل تسهیلات تکلیفی دولت به بانک‌ها مطرح شده است.

براساس این مصوبه: «در اجرای این حکم بانک‌های دولتی و غیردولتی نیز مجاز به پرداخت سود به حساب دستگاه‌های اجرائی که فاقد قوانین و مقررات برای دریافت سود هستند، نیستند. البته بانک‌ها، شرکت‌های بیمه دولتی، سازمان بورس و اوراق بهادار، صندوق‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و دستگاه‌های ماذون از رهبر معظم انقلاب و هر یک از دستگاه‌های اجرائی که در قوانین و مقررات و یا اساسنامه مجاز به دریافت سود هستند، از شمول این حکم مستثنا هستند». استثنائات در نظر گرفته‌شده در این قانون اما مشکلاتی را ایجاد خواهدکرد، چراکه در سال‌های اخیر اغلب صندوق‌ها با سپرده‌گذاری در بانک‌ها در پی کاهش ارزش پول ملی، زیان بالایی را بر مشترکان خود تحمیل کرده بودند و تداوم این روند گره اصلی را نمی‌گشاید.

۲ علت اصلی اجرای این مصوبه چیست؟

ایرج ندیمی، نماینده ادوار مجلس در گفت‌وگو با «شرق» در این باره می‌گوید: «منابعی که دولت از طریق بودجه به دستگاه‌های اجرائی اختصاص می‌دهد یا به هر نحوی، سهم دولت محسوب می‌شود، به این معناست که بتواند گردش وجوه را تسهیل کند. به تعبیر دیگر، اگر خود دولت موجب افزایش هزینه شود و هزینه مالی خود را افزایش دهد، اهداف محقق نمی‌شود. بنابراین دستگاه‌های اجرائی نباید به بهانه اینکه منابعی که دریافت کرده‌اند، سهم آنها از بودجه است، این منابع را در حساب بانکی گذاشته و براساس خواب سرمایه، منفععی را عاید دستگاه اجرائی و هزینه‌ای را متوجه مردم کنند».

اقتصاد

کارشناسان از علل ممنوعیت پرداخت سود به سپرده‌های بانکی دستگاه‌های اجرائی به «شرق» می‌گویند

پشت پرده یک سیاست پولی



ندیمی در ادامه می‌افزاید: «علاوه بر آن، اگر دستگاه‌های اجرائی از محل خواب سرمایه در حساب‌های دولتی و غیردولتی سود دریافت کنند، این سود آنها را از فعالیتی که بر آنها محول شده بازمی‌دارد». او با تاکید بر اینکه اجرای این بند بودجه براساس دو رویکرد انگیزشی صورت می‌گیرد، ادامه می‌دهد: «نخست، رویکرد تحریک به فعالیت و نه خواب سرمایه و دوم، کاهش هزینه و حفظ ارزش پول و نه فعالیت‌های غیرمولد، سبب می‌شود تا رویکردهای بودجه‌ای دیگر با مشکلی که در سال‌های گذشته با آن مواجه بودند، روبه‌رو نشوند. در سال‌های گذشته پول‌های زیادی را در اشکال مختلف در حساب‌ها، در حالت خواب داشتیم. بسیاری از صندوق‌ها، نقدینگی خود را در بانک‌ها به حالت خواب قرار می‌دادند بدون آنکه با آن فعالیت اقتصادی داشته باشند که موجب می‌شد ارزش پول آنها از بین برود و مستمری‌بگیران به‌صورت دائم ضرر کنند، زیرا ارزش پولی که فرضا پنج سال قبل داشته با اکنون متفاوت است و صندوق نتوانسته آن را ارزشمند کند. این امر سبب شده تا نیروهای انسانی که در دستگاه‌ها هستند، به کار اصلی خود مشغول نباشند و با خیالی آسوده از دریافت پاداش آخر سال، نقدینگی را در بانک‌ها به‌طور مستمر به حالت خواب درآورند و سود آن را دریافت کنند».

ندیمی با بیان اینکه در همه ۴۰ سال گذشته، چند آفت در رابطه با بودجه‌ریزی وجود داشته است، تصریح می‌کند: «بسیاری از تخصیص‌های بودجه در سالیان قبل، طول مدت پیدا می‌کرد و این زمان‌بری سبب می‌شد فعالیت اقتصادی به‌درستی انجام نشده و اشتغال‌زایی لازم انجام نشود. این اقدامات منجر می‌شد درآمدی عاید دستگاه یا دولت نشود و ارزانی و کاهش هزینه نصیب دولت نشود».

این نماینده ادوار مجلس در ادامه با اشاره به

سپرده‌گذاری و استفاده از منافع آن در دستگاه‌ها، می‌افزاید: «این نوع سپرده‌گذاری و دریافت سود از آن برای دستگاه‌ها، منافع جنبی هم برای آنها به دنبال داشت. گاهی دستگاه‌ها با بانک‌ها به‌نوعی تعامل می‌کنند تا در ازای آن سپرده بانکی، بانک به آنها تسهیلات بی‌سود یا کم‌سود اعطا کند. به این ترتیب، کوچک‌ترین تسهیلات نصیب کارمندان و بزرگ‌ترین آنها نصیب مسئولان دولتی می‌شود. هرچه با این نوع آفت‌ها بیشتر برخورد شود، با کاهش رانت‌ها مواجه خواهیم بود». از او درباره اجرائی بودن این بند قانونی می‌پرسم که با توجه به آنکه منافع دستگاه‌ها را درگیر می‌کند، قابلیت اجرائی دارد یا با ممانعت‌هایی روبه‌رو خواهد شد؛ ندیمی پاسخ می‌دهد: «فضای امروز کشور و جهان به نحوی است که بسیاری از فعالیت‌ها امکان مخفی‌بودن ندارد. بنابراین دیر یا زود چه براساس منافع جزئی، کارکرد رسانه‌ای یا دولت الکترونیک، تخلفات قابل کشف است».

کارمان ندری، معاون سابق پژوهشی پژوهشکده

پولی و بانکی نیز در گفت‌وگو با «شرق» بر علل اصلی مورد اشاره ندیمی صحه می‌گذارد، اما در عین حال نقد جدی را به عملکرد دولت وارد می‌کند که چرا علت اصلی مصوبات را اعلام نمی‌کند و داده‌ها را برای خود نگه داشته و اصل شفافیت با کارشناسان و رسانه‌ها را در نظر نمی‌گیرد.

ندری در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به این سیاست پولی در بودجه، تحلیل می‌کند: «به نظر می‌رسد این تصمیم به دنبال آن باشد که دستگاه‌های دولتی را تشویق کند تا منابع مالی خود را هزینه کنند و با انگیره دریافت سود بانکی، منابع خود را در بانک‌ها، سپرده‌گذاری نکنند.

او ادامه می‌دهد: «از سویی می‌توان آن را به کاهش

هزینه بانک‌ها نیز تعبیر کرد. به این معنا که وقتی سودی به سپرده‌های دستگاه‌های دولتی در بانک‌ها تعلق نگیرد، این منابع در بانک می‌ماند، بدون آنکه هزینه‌ای را متحمل شود و صرفا از عایدی این منابع مازاد بهره‌مند می‌شود. این اتفاق می‌تواند به‌نوعی بده‌وستان دولت و بانک‌ها و به‌عنوان خواسته بانک‌ها در مقابل تسهیلات تکلیفی تعبیر شود. وقتی دولت‌ها می‌توانند به‌راحتی در امور بانک‌ها دخالت کنند، بنابراین عجیب نیست که با چنین سیستم منحصربه‌فردی مواجه باشیم که بانک‌ها خواسته‌های خود را در قالب سیاست‌گذاری اعمال می‌کنند». این گفته ندری البته می‌تواند به شکل دیگری نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. اینکه چنین اقدامی منجر به هزینه‌کرد منابع از سوی دستگاه‌های دولتی خواهد شد و در نتیجه امور اجرائی به‌موقع انجام می‌شود، اما در عین حال بانک‌ها نیز از منابع ارزان در اختیار بهره‌مند می‌شوند». ندری می‌گوید: «اگر سپرده مدت‌دار باشد، سپرده‌گذار نمی‌تواند قبل از سررسید، سپرده خود را بردارد مگر آنکه متحمل هزینه شود. این قاعده در اقتصاد ایران برقرار نیست. علی‌القاعده وقتی دستگاه‌ها به‌طور مداوم از حساب‌های خود برداشت می‌کنند نباید سودی نیز از این محل دریافت کنند. این اقدام باید در مورد سپرده‌های عادی هم انجام شود. در واقع ساختار زمانی نرخ بهره در اقتصاد ایران وجود ندارد و باید ایجاد شود. بنابراین به عقیده من بهتر آن بود که به کاهش سود بانکی، افزایش سود برای سپرده‌های بلندمدت در نظر گرفته شود و در عین حال، اجازه برداشت تا موعد سررسید به سپرده‌گذار داده نشود و در عوض آن، گواهی سپرده به سپرده‌گذار بدهند تا امکان خرید و فروش آن وجود داشته باشد. این اقدام برای اقتصاد ایران بسیار مفیدتر است».

دولت از بیان علت اصلی سیاست‌گذاری‌ها، امتناع می‌کند

این کارشناس با انتقاد از دولت در زمینه عدم اعلان منطق تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها می‌گوید: «دولت منطقی را که منجر به تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری می‌شود، هرگز با کارشناسان و رسانه‌ها در میان نمی‌گذارد. درحالی‌که اگر افراد، منطق سیاست‌گذاری‌های دولت را بدانند، بهتر با آن همراهی می‌کنند. اما شاهد هستیم که یک زمان تصمیم‌گیرندگان ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی برای واردات کالا‌های اساسی در نظر بگیرند، اما هرگز منطق آن و آنچه در جلسه مطرح شد، اعلام نشد و هرچه گفته می‌شود صرفا گمانه‌زنی است. ممکن است گفته شود منطق برخی تصمیم‌گیری‌ها، اطلاعات طبقه‌بنده نیست است و امکان افشای آنها وجود ندارد. اما این گفته نمی‌تواند قابل تعمیم به بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها باشد، بلکه گاهی عدم افشای اطلاعات موجب قدرت برخی بخش‌ها شده و قدرت لای آنها را افزایش می‌دهد که بسیار خطرآفرین است».

یادداشت

ادبیاتی دربارۀ انتقاد به مفهوم بازار در جایگاه خردوکلان

محمد شهاب، پژوهشگر اقتصادی

● در طبیعت اتم اکسیژن وجود دارد، این اتم انگیزه درونی به پایداری دارد؛ پایداری هم در برابر بودن، بار مثبت و بار منفی اتم تعریف می‌شود و هم در اینکه اتم نیازش به کامل‌شدن تعداد الکترون در مدارهای خود را برآورده کند. درباره اتم‌ها این‌گونه بیان می‌شود که تمایل به برطرکردن نیاز درمورد تکمیل تعداد الکترون‌های موجود در هر مدار، مقدم بر پایداری از جنبه خنثی بودن عمل می‌کند؛ بنابراین اتم اکسیژن که شش الکترون در لایه آخر خود دارد، هرچند در شرایط خنثی قرار دارد، این تمایل برای اوست که در یک پیوند دوگانه کووالانسی با اتم اکسیژن دیگر، نیاز خود به تکمیل تعداد الکترون در لایه آخر خود را برطرف کند. اتم اکسیژن می‌تواند دو پیوند یگانه با دو اتم هیدروژن به‌صورت مجزا نیز برقرار کند (یک سؤال: اتم انرژی لازم را برای آنچه انگیزه دارد، از کجا تأمین می‌کند؟). مولکول آب ایجاد می‌شود، سپس چون این مولکول قطبی است بی‌نهایت مولکول آب می‌توانند در کنار یکدیگر قرار بگیرند. مشاهده می‌شود که طبیعت به‌صورت دست نامرئی در پی آنچه خواست و انگیزه اتم‌ها بوده است (پرکردن لایه‌های الکترون و حتی ازدست‌دادن الکترون) نیاز طبیعت به ماده را تأمین می‌کند.

عده‌ای معتقدند در اقتصاد نیز یک دست نامرئی وجود دارد که انگیزه‌های شخصی نیازهای افراد را تأمین می‌کند. در نظر این عده نقش دولت و سیاست باید کوتاه باشد و اگر نقش دولت و سیاست کوتاه نباشد، ممکن است مکانیسم قیمت‌ها که ابزار دست نامرئی است، از آنچه باید باشد، خارج شود. در نگاه این عده تعادل یک هدف است. تعادل به معنای برابریودن عرضه و تقاضا تعریف می‌شود.

آیا اقتصاد می‌تواند مانند شیمی از طریق دست نامرئی نیازهای جامعه را برآورده کند؟ آیا تعادل یک هدف‌گذاری مطلوب است؟ دستاورد دست نامرئی چیست؟ آیا اینکه هرکس که توان قدرت خرید بیشتر دارد، می‌تواند در جنگ تقاضا موفق شود، یک دستاورد است؟ یا اینکه اگر قیمت یک جنس بالا باشد، این جنس باید آن‌قدر ارزان شود تا تقاضا برای آن شکل گیرد، حتی اگر قیمت از هزینه نهایی تولید کمتر باشد؛ یک دستاورد است؟ آیا دست نامرئی می‌تواند تضمین تکامل انسان‌ها در اقتصاد را بر عهده گیرد؟

چه نتیجه‌ای برای تولیدکنندگان خردی که هزینه نهایی تولید آنها بالا است، در دست نامرئی اقتصاد خواهد بود؟ در نظام دست نامرئی چه آینده‌ای برای آنها که بدون نیاز به دغدغه مالی و اقتصادی خواهان آن هستند که به‌دنبال پیش‌برد ایده‌های تکنولوژی خود بروند، متصور است؟ آیا برقراربودن عرضه با تقاضا نیاز احاد جامعه است اولیه برای برقرارشدن عدالت و رقابت عادلانه قطع شود، دست نامرئی تضمینی بر ارائه پاسخ درست به آنچه پرسیده شد، دارد؟

در اقتصاد حمایتی، نگاه حمایتی به احاد جامعه برای تولید از سوی سیاست، عملا موضوعیتی برای کمبود عرضه تولید کالای ملموس باقی نمی‌گذارد و از سویی در آن اقتصاد دنبال‌کننده‌ای برای آنکه از افزایش تقاضا نسبت به تولید کالای ملموس برای افزایش قیمت استفاده بده نیز یافت نمی‌شود. می‌توان گفت علم اقتصاد، علمی است که تکامل آن به جوامع سپرده شده و هدف‌گذاری آن شکوفایی استعدادهاست؛ بنابراین علم اقتصاد باید درباره چگونگی حمایت و نظارت صحبت کند. تا زمانی که تعریف علم اقتصاد را بتوان در این قرار داد که اقتصاد یک بستر قراردادی اعتباری و اعتمادزایی بین سیاست و دولت است، نمی‌توان از آزادی اقتصاد صحبت کرد و قیمت را ابزاری در اختیار دست نامرئی قرار داد. نمی‌توان از این صحبت کرد که افزایش تقاضا در عین افزایش‌نیافتن تولید کالای ملموس موجب افزایش قیمت می‌شود (چراکه در اقتصاد اعتباری قراردادی و اعتمادزایی سیاست با اقتصاد، قیمت، افزایش تقاضا و… همه تابع یک علت می‌توانند قرار بگیرند).

اگر آنچه باعث اقتصاد رقابتی شده است، تداوم نداشته باشد، باز سیاست‌گذاری‌های ناعادلانه قیمت و سیاست‌گذاری تبعیضی حاکم می‌شود. بر مفهوم بازار دو ایراد وارد است؛ ایراد کلان (جامع) به حکم مقدم‌شدن مفهوم بازار بر تعریف اقتصاد است، پیامد افزایش تقاضا باید براساس تعریف از اقتصاد بیان شود نه براساس مفهوم بازار. براساس تعریف اقتصاد، دلیلی وجود ندارد که قیمت در پی افزایش تقاضا حتی اگر تولید ملموس افزایش نداشته است، افزایش یابد. درباره انتقاد در نگاه خرد (اقتصاد کلان) بر مفهوم بازار می‌توان به‌صورت خلاصه موارد زیر را بیان کرد: ۱- بدون اثبات اولین پیامد افزایش تقاضا افزایش قیمت قرار داده شده است ۲- از فرض زاویه ۴۵ درجه استفاده شده ولی بیان نشده است ۳- به‌نادرستی هزینه نهایی دویل حساب شده است.